



روش‌شناسی تحلیل متن - ۲ *

بازیابی متون - بازسازی متون

سید محمد عمادی حائری**

از برخی متون کهن با عنوان متون مفقود نام می‌برند. منظور از متون مفقود آثاری‌اند که هرچند در منابع گزارش‌هایی از وجود آن‌ها هست یا حتی بخش‌هایی از متن آن‌ها از طریق آثار بعدی باقی مانده، صورت کامل اثر یا بخش عمده‌ای از آن در گذر زمان از میان رفته و به دست ما نرسیده است. برای دستیابی به آثاری که امروزه به کلی مفقود است راهی نیست و تنها می‌توان از عنوان اثر و گرایش‌های شناخته‌شده مؤلفش درباره موضوع آن حدس‌هایی زد؛ اما برای بازیابی متن مفقودی که پاره‌هایی از آن در آثار بعدی باقی مانده، روش‌هایی اندیشیده و به کار گرفته شده است.

اگر بخش‌هایی از یک اثر که امروزه به طور کامل از میان نرفته در متون بعدی بازمانده باشد، باید گفت که پاره‌هایی از متن مفقود به واسطه نقل مؤلفی دیگر در اختیار ماست. با گردآوری این قطعات پراکنده و قراردادن آن‌ها کنار هم، طبعاً بخش‌هایی از متن / اثر مفقود به دست خواهد آمد که می‌باید از آن با عنوان بازیابی متن مفقود یاد کرد. شیوه‌های بازیابی متون مفقود، با توجه به روش تألیف اثر و شیوه نقل از آن در منابع بعدی متفاوت است. اگر در منابع دیگر، به نام اثر

ولی مواردی هست که بخش‌هایی از یک متن / اثر مفقود در منابع بعدی نقل شده است بدون آن که به تعلق این بخش به آن اثر مفقود تصریح شود. متونی که با سلسله سند (زنجیره انتقال دهندگان / راویان متن) در آثار اسلامی - ایرانی نقل شده‌اند (مانند مجموعه‌های حدیث و برخی منابع تاریخی)، از این دسته‌اند. در این موارد، باید با روش‌هایی دیگر تعلق قطعه‌متن موجود به اثر مفقود را اثبات کرد. صرف نظر از برخی راهکارهای فرعی که باید در منابع خاص آن‌ها را دید، روش اصلی در مورد این متون مقایسه سلسله سند متن موجود با سلسله سندی است که در کتابشناسی (فهرست‌های قدیم (مانند فهرس طوسی و نجاشی) برای روایت اثر مفقود ذکر شده و سیر انتقال اثر از مؤلف به افراد بعدی را در گذر زمان نشان می‌دهد. همسانی این سلسله‌سندها، می‌تواند گویای این

* بخش نخست از این سلسله مقالات، در شماره ۳۵ گزارش میراث (مهر و آبان ۱۳۸۸ ش)، ص ۳۹-۴۲، منتشر شده است.

** پژوهشگر متون و مصحح، عضو گروه متن‌شناسی مرکز پژوهشی میراث مکتوب / E-mail: m.emadihaeri@gmail.com



مقدمه‌ای برای بازسازی آن به شمار آورد؛ یعنی با گردآوری بخش‌هایی از یک اثر مفقود از منابع بعدی، نمی‌توان گفت که به صورت اصیل اثر مفقود دست یافته‌ایم؛ زیرا:

۱. در تألیف و تدوین یک اثر نگاه مؤلف دخالتی مستقیم دارد، اما متن آثار کهن مفقود به واسطه گزینش مؤلفان منابع واسطه به دست ما رسیده و شامل همه بخش‌هایی که در اثر آن مؤلف متقدم آمده بوده است، نیست.

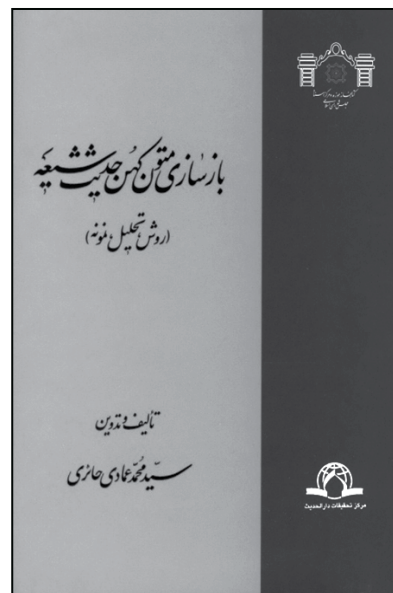
۲. مؤلفان منابع واسطه، گاه تنها بخشی از متن را که مورد نظر آنان بوده نقل کرده و از ذکر باقی آن چشم پوشیده‌اند؛ بنابراین ممکن است متنی که به واسطه منبع واسطه به دست ما رسیده بخشی از یک متن بلندتر باشد.

۳. همانند هر مؤلفی، مؤلفان منابع متقدم نیز گرایش‌های خود را در گزینش متون مختلف، نوع چینش، ترتیب و مواردی از این دست، در کتاب‌های خود لحاظ می‌کرده‌اند. اما با گردآوری متون پراکنده یک اثر مفقود، نمی‌توان به ساختار اولیه و ترتیبی که مؤلف برای روایات کتاب خود در نظر گرفته بود دست یافت.

۴. گاه چند منبع واسطه، در نقل یک بخش واحد از متن مفقود هم‌داستان نیستند و اختلافاتی میان آن‌ها دیده می‌شود. این جاست که کشف ضبط اصیل، کوشش و جست‌وجوی مضاعفی را می‌طلبد.

۵. جای این پرسش نیز هست که متن باقی‌مانده از اثر مفقود با یک واسطه به دست ما رسیده است یا با دو یا چند واسطه؟ احتمالاً مواردی نه چندان اندک هست که مؤلف منبعی که در اختیار ماست، خود آن اثر متقدم را در اختیار نداشته و به واسطه منابع دیگر از آن نقل کرده است.

آنچه گذشت (بخش‌های نایافته اثر مفقود، تقطیع پاره‌هایی از متن اثر مفقود، کشف ساختار اثر مفقود، اختلاف منابع واسطه در نقل یک بخش خاص از اثر مفقود، نقل به واسطه از اثر مفقود؛ و موارد ناگفته دیگر، مانند: کشف نام اثر مفقود)، همگی به پس از گردآوری بخش‌های پراکنده متن اولیه بازمی‌گردد و دقت مؤلفان منابع واسطه را کمابیش مسلم می‌انگارد. اما در بازسازی متون مفقود، مسأله دیگری نیز مطرح است و آن این است که منابع واسطه تا چه اندازه در نقل پاره‌های متن اثر مفقود جانب امانت را نگاه داشته‌اند، و آیا این متون پراکنده بازمانده از اثر مفقود در طول قرون از



باشد که متن موجود بخشی از اثر مفقود است. در کنار این دو قرینه کلی، یعنی ذکر عنوان کتاب در کتابشناسی (فهرست) های کهن و وجود سلسله سندی در آغاز قطعه متن موجود که همانند با زنجیره روایان روایت کتاب در فهرس است، همانندی موضوع قطعه موجود از متن با عنوان اثر مفقود (البته اگر اثر مفقود عنوان مشخصی حاکی از موضوع کتاب داشته باشد) و هم‌خوانی آن با گرایش‌های فرهنگی و اندیشگی‌یی که از مؤلف اثر مفقود می‌شناسیم، نیز در اثبات تعلق متن منقول در آثار بعدی به اثر مفقود تعیین کننده است. با استفاده از این روش، می‌توان بخش‌های قابل توجهی از متون کهن مفقود را بازیابی کرد. بازیابی پاره‌های منابع کهن مفقود بدین شیوه، مبتنی بر این پیش فرض است که منابع تدوین‌گر متن و منابع منابع آن تا نخستین منبع، مکتوب بوده و اسناد و متون وابسته به آن اصیل و حقیقی‌اند. بنابراین، تنها با معتبر دانستن زنجیره روایان است که راه برای بازسازی متون مفقود کهن گشوده می‌شود.

بازیابی متون مفقود را نباید با بازسازی آن‌ها یکی پنداشت. معمولاً به گردآوری قطعات پراکنده یک متن مفقود از منابع بعدی و کنار هم نهادن آن‌ها بازسازی متن می‌گویند؛ اما دقیق‌تر آن است که برای این مفهوم عنوان بازیابی را در نظر بگیریم و میان بازیابی متن و بازسازی آن تفاوت بگذاریم. با توجه به این نکته، بازیابی روایات یک متن مفقود را باید

حیث لفظ یا معنا دچار تصرف و تغییر از سوی مؤلفان منابع واسطه قرار گرفته‌اند و یا آن که به همان صورت اصیل اولیه به دست ما رسیده‌اند؟ این نکته شایان توجه بسیار است که گاه متنی کهن حتی به صورت کامل باقی مانده است، اما در طول زمان - آگاهانه یا ناآگاهانه - بخش‌هایی از آن دچار تصرفات و تغییراتی شده و متن را از صورت اولیه آن دور کرده است. چنان که شواهد نشان می‌دهد، متن موجود بسیاری از آثار کهن بنا به عواملی گوناگون (از جمله تصرفات کاتبان) دست‌خوش تغییر و تحوّل گردیده است. این جاست که به نظر می‌رسد که برای دستیابی به صورت اولیه متونی که نسخه‌های آن‌ها در طول زمان تغییر کرده و از صورت اصلی خود فاصله گرفته، باید ویژگی‌های اصیل آن‌ها را از حیث لفظ و معنا شناخت و بر اساس قواعدی همچون مقایسه با متون هم‌خانواده و ترسیم سیر احتمالی تحولات متن، تغییرات و تصرفات بعدی را کشف کرد و متن موجود را تا حدّ امکان به شکل اولیه و اصیل آن نزدیک ساخت. بر این اساس، می‌باید بازسازی متون را به شناخت دقیق و روشمند ویژگی‌های اصیل متن اولیه و بازگرداندن متن کنونی به صورت نخستین آن، تعریف کرد. در این شیوه از بازسازی متون، انس با سبک و سیاق متون قدیم (هم از حیث لفظ و هم از نظر معنا) و تحلیل تاریخی جریان‌های اندیشگی، پژوهشگر را در نقد اصالت متن موجود، تاریخ‌گذاری آن و کشف تصرفات بعدی در متن یاری خواهد کرد. در این روش از نقد متن، باید به سه عنصر مشخصاً توجه داشت: ساختار، مفاهیم و الفاظ به کاررفته در متن. هرگاه دریابیم که ساختار متن، مفاهیم یا الفاظ به کاررفته در آن به زمانی متأخر از تاریخ ادعاشده برای آن تعلق دارد، می‌توان گفت که - اگر متن از اساس جعلی نباشد - ساختار متن تغییر کرده، برخی مفاهیم به متن افزوده یا از آن کاسته شده، یا برخی الفاظ آن تعدّماً و با انگیزه‌هایی خاص تغییر یافته یا دچار افزایش و کاهش گردیده است. چنین تحلیل متن‌شناسانه‌ای، البته مستلزم آن است که از ویژگی‌های متون دوره‌ای که از آن سخن می‌گوییم آگاهی کافی داشته باشیم و بتوانیم بر پایه مجموعه‌ای از متون هم‌عصر - که به اصالت و وثاقت آن‌ها اطمینان داریم - درباره ویژگی‌های اصیل متون آن دوره و ساختار، مفاهیم و الفاظ رایج در آن‌ها سخن بگوییم.

برای مطالعه بیشتر

۱. جعفریان، رسول، «موارد پژوهی و بازسازی متون مفقوده»، آینده‌پژوهش (ش ۶۳، س ۱۱، ش ۳، مرداد و شهریور)، ۱۳۷۹ ش؛ ص ۲-۷. مقاله‌ای در ضرورت و اهمیت مآخذشناسی منابع موجود و بازیابی متون مفقود از طریق آثار بعدی.
۲. راد، علی، «شیوه‌های بازیابی میراث مفقود اسلامی»، آینده‌پژوهش (ش ۱۰۱، س ۱۷، ش ۵، آذر و دی)، ۱۳۸۵ ش؛ ص ۷۶-۸۷. گزارشی از کتب التراث بین الحوادث و الإنبعاث (حکمت بن بشیر بن یاسین، دمام، ۱۴۲۴ ق) که در آن سیزده راهکار برای دستیابی به قطعات متون مفقود بر اساس منابع بعدی ارائه شده است.
۳. سزگین، فؤاد، تاریخ نگارش‌های عربی، ترجمه فارسی مؤسسه نشر فهرستگان، تهران، ۱۳۸۰ ش؛ ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۱. روشی از بازیابی متون مفقود بر اساس سلسله اسناد، در آن وصف شده است.
۴. عمادی حائری، سید محمد (تألیف و تدوین)، بازسازی متون کهن حدیث شیعیه: روش، تحلیل، نمونه، تهران، ۱۳۸۸ ش. در این اثر و عمده مقالات آن، راهکارهای بازیابی و بازسازی متون مفقود گزارش، بررسی، و با ذکر نمونه‌هایی تحلیل شده است.
۵. همو، قرآن فارسی کهن: تاریخ، تحریرها، تحلیل، تهران، ۱۳۸۶ ش؛ ص ۱۲۲-۱۲۶. نظریه بازسازی متون و ضرورت آن و اهمیت آن در دستیابی به صورت اولیه متون در آن طرح شده است.
۶. مدرسی طباطبایی، سید حسین، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ترجمه سید علی قرائی - رسول جعفریان، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش. تحقیقی در معرفی کهن‌ترین منابع حدیث شیعی و بازیابی قطعات بازمانده از آنها در منابع بعدی است.
۷. موتسکی، هارالد، «حدیث‌پژوهی در غرب: مقدمه‌ای در باب خاستگاه و تطوّر حدیث»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، حدیث اسلامی: خاستگاه‌ها و سیر تطوّر، [گردآوری] هارالد موتسکی، [متن فارسی] به کوشش و ویرایش مرتضی کریمی‌نیا، قم، ۱۳۹۰ ش؛ ص ۴۲-۵۴. گزارشی از برجسته‌ترین نظریه‌ها و پژوهش‌های غربی در باب سلسله اسناد روایات.

